

غزل شماره ۳۰

زلفت هزار دل به یکی تاره موبست

راه هزار چاره کر از چار موبست

تا عاشقان به بوی نسیم دهند جان

بکشود ناله ای و در آرزو موبست

شیدا از آن شدم که نگارم چو ماه نو

ابرو نمود و جلوه گری کرد و رو موبست

ساقی به چند رنگ، می اندر پیاله ریخت
این نقش ها نگر که چه خوش در کدو بست

یارب چه غمزه کرد صراحی که خون خم
بانره های قلقلش اندر گلو بست

مطرب چه پرده ساخت که در پرده سماع
بر اهل وجد و حال، درهای و هو بست

حافظ! هر آن که عشق نورزید و وصل خواست
احرام طوف کعبه دل بی وضو بست

تفسیر فال

چرا ناامید شده‌ای؟ هزاران راه چاره و امکان برای رسیدن به آرزوها و خواسته‌های تو وجود دارد. زندگی پر از فرصت‌هاست، و تنها کافی است که با عزم راسخ و تلاش مستمر به سمت اهداف خود قدم برداری. برای رسیدن به آرزویت باید با تمام وجود تلاش کنی، زیرا هر قدمی که در این مسیر برمی‌داری، به تو نزدیک‌تر می‌کند. مبنای عشق را نباید بر هوس قرار دهی؛ چرا که این نوع عشق ناپایدار و زودگذر است. بدین ترتیب، چه بسا که شیطان بتواند تو را در مسیری نادرست هدایت کند. اگر برای رسیدن به معشوق واقعی خود با احساسات عمیق عاشقانه اقدام نکنی و تنها به جمال ظاهری او دل ببندی، چیزی جز دردسر و مشکلات نخواهی یافت. عشق حقیقی نیازمند درک عمیق از روحیات طرف مقابل است و باید بر پایه احترام، صداقت و محبت بنا شود تا میوه‌های شیرین آن را بچشی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)